

اعتبار امر مختوم آرای داوری در حقوق ایران و آمریکا

همایون مافی^۱، حسین تاری^۲

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
۲. دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۸

دریافت: ۹۳/۱۲/۱

چکیده

منظور از اعتبار امر مختوم در آرای داوری این است که چنانچه دعوی مطروح قبلاً بین اشخاص واحد یا اشخاصی که اصحاب دعوا قائم مقام آنها هستند رسیدگی و حکم قطعی در آن خصوص صادر شده باشد حکم مذکور مانع رسیدگی مجدد نسبت به آن دعوا است. با این که در حقوق ایران تصریحی بر اعتبار امر مختوم در رسیدگی‌های داوری وجود ندارد، یافته‌ها و نتیجه بررسی این مقاله نشان می‌دهد که در این مورد تفاوتی در لزوم اعمال این قاعده درباره حکم دادگاه و رأی داوری وجود ندارد. عدم پذیرش و استماع مجدد موضوع اختلاف در مرجع داوری ناشی از توافق اولیه طرفین و قرارداد منعقد در رجوع به داوری است. در حقوق آمریکا نیز اعتبار امر مختوم رأی داوری به استناد دو نظریه انسداد موضوع و انسداد ادعا مورد پذیرش واقع شده است.

واژگان کلیدی: اعتبار امر مختوم، رأی داور، حقوق ایران و آمریکا

Email: hmynmafi@yahoo.com

* نویسنده مسؤول مقاله:

۱. مقدمه

یکی از آثار احکام دادگاه‌ها اعتبار امر مختوم است. اعتبار امر مختوم در حقوق ایران یک قاعده شکلی است که در بند ۶ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی نسبت به احکام دادگاه‌ها به آن اشاره شده است. در حقوق آمریکا نیز اهمیت این قاعده از نظرها پنهان نمانده و در آرای محاکم این کشور به آن استناد شده است. بنابراین، در آیین دادرسی دادگاه‌ها، اصل پیشگفته اماره حقانیت محکوم‌له است که براینکه آن نفی دعوای لاحق و تثبیت حقوق مکتسب سابق است. در مورد این موضوع که آیا اعتبار امر مختوم یک اماره است یا خیر گفته شده است که هرگاه غلبه را مبنای امارات بدانیم می‌توان گفت غالب احکام دادگاه‌ها صحیحاً صادر می‌شوند و تجدید دعوا مورد ندارد. در این صورت اعتبار امر مختوم یک اماره است [۱، ص ۷۲۶]. به عبارت دیگر، مهم‌ترین بارزترین اماره مطلق، اعتبار امر مختوم است که با عنوان «امر مدلل» یا «اماره قانونی حاصل از دادرسی کامل» دلیلی را تشکیل می‌دهد که به طرفین دعوا و هر قاضی که نزد او به آن استناد می‌شود تحمیل می‌شود [۲، ص ۲۷۳]. اعتبار امر مختوم در تصمیمات حسبی و غیرترافعی جاری نیست و علت آن همان مصلحت خاص و وجهه عمومی امور غیرترافعی است که ایجاب می‌کند قاعده فراغ دادرسی نسبت به تصمیمات حسبی مجرا و معمول نباشد [۳، ص ۲۸۸]. باید دید که آیا رأی داور مانند دادگاه از اعتبار امر مختوم برخوردار است یا خیر. اساساً اعتبار امر مختوم در امور مدنی بر دو پایه استوار است: (۱) منع تجدید دعوا، (۲) جلوگیری از تعارض احکام و تصمیمات [۴، ص ۳۹۵]. اشخاص معقول در صورتی داور را برای حل اختلافات خود انتخاب می‌کنند که علاوه بر مزایای مذکور، داور منجر به صدور رأی لازم‌الاجرای شود که قابلیت طرح مجدد در دادگاه نداشته باشد. اگر آرای داور دارای اعتبار امر مختوم نباشد، محکوم‌علیه می‌تواند پس از صدور رأی داور به دادگاه مراجعه کند. دادگاه نیز با وجود رأی داور توانایی ورود در ماهیت دعوا را دارد و حتی می‌تواند حکم به نفع محکوم‌علیه رأی



داوری صادر کند. به نظر می‌رسد این فرایند با خواست طرفین داوری در تضاد باشد و موجب بی‌فایده شدن نهاد داوری می‌شود. مراعات نظم عمومی نیز می‌طلبد که برای هر دعوایی نقطه پایانی وجود داشته باشد و مسیر رسیدگی به دعوا نامتناهی نباشد. در پژوهش حاضر ابتدا به مفهوم و شرایط اعتبار امر مختوم می‌پردازیم و سپس به بررسی این قاعده در حقوق ایران و آمریکا خواهیم پرداخت.

۲. مفهوم، شرایط و آثار دکرین اعتبار امر مختوم

۱-۲. مفهوم

در حقوق ایران قاعده اعتبار امر مختوم که در بند ۶ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی آمده، به این مفهوم است که اقامه دوباره دعوا پس از صدور حکم و قطعیت آن ممنوع است [۵، ص ۲۱۵]. نظریه اعتبار امر مختوم به اثر الزام‌آور رأی سابق بر ادعاها و موضوعات دعوای لاحق اشاره می‌کند [۶، ص ۵۳]. هدف اعتبار امر مختوم را یکی از نویسندگان دو مورد بیان داشته است: اول) ترویج و توسعه صرفه‌جویی قضایی و دوم) حمایت از طرفین دعوای سابق در مقابل دردها و هزینه‌های غیرضروری. اصطلاحاً گفته می‌شود که نظریه اعتبار امر مختوم به شخص اجازه نمی‌دهد که به یک سیب دو گاز بزند [۷، ص ۱]. در برخی پرونده‌ها^۱ جلوگیری از مضرات و هزینه‌ها به‌عنوان هدف قاعده اعتبار امر مختوم اعلام شده است [۸]. اعتبار امر مختوم راجع به موضوعی است که به طور قطعی رسیدگی و به صدور حکم منتهی شده باشد [۹، ص ۱۱۹].

فرهنگ حقوقی بلک در تعریف اعتبار امر مختوم^۲ آورده است: «موضوعی که به موجب تصمیم قضایی به طور قطعی حل و فصل شده است» [۱۰، ص ۱۳۱۲]. در حقوق آمریکا مسأله نهاد استاپل با مفهوم اعتبار امر مختوم در هم تنیده شده است. «استاپل مانعی

۱. miller Brewing Co. v Fort Worth Distrib. Co. Inc

۲. the doctrine of res judicata

است که شخص را از انکار یا ادعای هر چیزی متضاد با آنچه از نظر حقوق، به‌عنوان واقعیت محرز شده است، ممنوع می‌سازد. اعم از این‌که این احراز به وسیله اعمال کارگزاران قضایی یا تقنینی صورت گرفته باشد یا به وسیله سند یا اظهارات صریح یا ضمنی، رفتار یا ترک فعل خود شخص» [۱۱، ص ۱۱-۱۲].

۲-۲. شرایط

ابتدا باید به این سؤال پاسخ گفت که در چه شرایطی می‌توان به اعتبار امر مختوم استناد کرد. هنگامی می‌توان به حاکمیت امر مختوم استناد کرد که شرایط لازم مرتبط با حکم و دعوا موجود باشد. شرایط مربوط به حکم عبارتند از این که (۱) رأی مربوط به امور ترافعی باشد، (۲) موضوع مورد اختلاف را به طور قطعی حل و فصل کند، (۳) تصمیم متخذ جزء منطوق یا بخش اصلی و حاکمه رأی باشد نه در اسباب آن [۱۲، ص ۷۴]. شرایط مربوط به دعوا برای تحقق اعتبار امر مختوم به نظر برخی از نویسندگان سه شرط است: الف) سبق تصمیم در یک موضوع، ب) رأی نهایی، و ج) وحدت اصحاب دعوا [۶، ص ۱۳۱۲].

برخی دیگر از نویسندگان بدون تبیین شرایط اعمال اصل پیشگفته، آن شرایط را تحت عنوان «معیار سه‌گانه شناسایی»، شامل (۱) «وحدت طرفین دعوا»، (۲) «وحدت سبب دعوا» و (۳) «وحدت موضوع دعوا» اعلام کرده‌اند [۱۳، ص ۴]. در یکی از آرای صادره^۱ نیز شرایط اعمال «اعتبار امر مختوم» وحدت طرفین، موضوع و سبب دعوا اعلام شده است [۱۴، ص ۲۲۲]. حقوقدانان ایرانی نیز که در این خصوص تحقیق و اظهارنظر کرده‌اند همین سه شرط را ملاک تشخیص اعتبار امر مختوم دانسته‌اند [۱۵، ص ۴۴۵؛ ۱۲، ص ۱۶۷]. برای این‌که اعتبار امر مختوم در دعوای حقوقی قابلیت ایراد و استناد داشته باشد وجود شرایطی بین دعوای اولی و ثانوی لازم است. ذیلاً به بررسی این سه شرط که در رسیدگی‌های قضایی و داوری توأمان اعمال می‌شوند

۱. Svenska Petroleum Exploration AB v. Lithuania (No ۱) [۲۰۰۵] EWHC ۹; [۲۰۰۵]



خواهیم پرداخت:

۱-۲-۲. وحدت طرفین دعوا

یکی از شروط اعتبار امر مختوم این است که اصحاب دعوی جدید همان اصحاب دعوی سابق باشند. بنابراین، حتی اگر دو شرط دیگر، یعنی اتحاد موضوع و سبب نیز وجود داشته باشد، اما دعوی فعلی بین یکی از اصحاب دعوی سابق و شخص دیگری مطرح باشد، ایراد امر مختوم به علت عدم اتحاد دو دعوا قابل پذیرش نخواهد بود.

راجع به شرط وحدت طرفین در بسیاری از موارد، به دلیل عدم تغییر شخص، تأیید هویت شخص نیازی به تفسیر ندارد. اشخاص حقوقی به دلیل تغییراتی چون ورشکستگی یا ادغام تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند و هویت آنان قابل تأیید است. اما در موارد «نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت تجاری»^۱ و «اصیل واقعی»^۲ ممکن است تشخیص شرط وحدت طرفین دعوا دشوار باشد [۱۶، ص ۸۶]. «استقلال شخص حقوقی» و «مسئولیت محدود» شرکت‌های تجاری خطر ورشکستگی شرکت بر بستنکاران بدون وثیقه را موجب می‌شود. همچنین خطر ناشی از سوءاستفاده از شرکت را نیز در پی دارد؛ بدین توضیح که افراد ممکن است از پوشش شخصیت حقوقی برای رهایی از تکالیف و تعهدات قانونی استفاده کنند. نظریه «نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت تجاری» به دنبال مقابله با سوءاستفاده فوق‌الذکر است. در این صورت روش مقابله این است که شخصیت حقوقی شرکت نادیده گرفته و مسئولیت نامحدود بر شرکا تحمیل شود [۱۷، ص ۱۰-۱۱]. اگر اشخاصی یک بار از طرف شرکت صوری طرح دعوا کنند و همان اشخاص دوباره همان دعوا را از طرف خود مطرح سازند، به دلیل نادیده انگاشتن شخصیت حقوقی، وحدت اصحاب دعوا مصداق می‌یابد. راجع به وضعیت اصیل واقعی (آلتر اگو) باید گفت که اصولاً وکیلی که در حدود اختیار عمل می‌کند، اعمال و اقدامات وی برای اصیل الزام‌آور است. اما در مواقعی که

۱. piercing the corporate veil

۲. alter ego

امر مشتبه است آیا می‌توان اقدامات شخص را وکالت تلقی کرد و به جای مراجعه به اقدام‌کننده به اصیل واقعی رجوع کرد؟ [۱۸، ص ۲۱۷]. در پاسخ باید گفت: «هرگاه ثابت شود که در مرحله ایجاد رابطه حقوقی، اراده متعهد تحت سلطه و کنترل شخص خارجی است، تعهد ایجاد شده را می‌توان منتسب به اصیل واقعی مذکور دانست» [۱۸، ص ۲۲۴]. بنابراین، در صورتی که مشخص شود دو دعوای مطرح شده با سبب و موضوع واحد، در واقع از طرف شخص اصیل واقعی، اما ظاهراً از طرف اشخاص دیگر، اقامه شده است، وحدت اطراف دعوا مصداق می‌یابد.

اتحاد اصحاب دو دعوا نه تنها وقتی مصداق دارد که اصیل شخصاً یا توسط نماینده، هریک از دو دعوا را اقامه کرده و یا به آن پاسخ داده باشد، بلکه به صراحت بند ۶ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، حکم صادر در دعوایی که سابقاً اقامه شده، از این حیث نیز نسبت به قائم‌مقام اصحاب دعوا مؤثر است. بنابراین، چنانچه قائم‌مقام اصحاب دعوایی که به صدور حکم انجامیده، دعوا را با همان موضوع و سببی اقامه کند که از سوی خود شخص اقامه شده بود، باید قرار رد دعوا، به جهت اعتبار امر قضاوت شده صادر شود. در این خصوص تفاوتی بین قائم‌مقام عام (ورثه) و قائم‌مقام خاص (منتقل‌الیه) وجود ندارد [۱۵، ص ۴۴۶].

۲-۲-۲. وحدت موضوع دو دعوا

مسأله دیگر راجع به «وحدت موضوع» است. بهترین معیار برای شناسایی اتحاد یا اختلاف موضوع دو دعوا، توجه به رابطه حکم سابق و تقاضای مدعی در ادعای جدید است. اگر به تشخیص دادرس، رأی او در این دعوا تکرار حکم سابق است و بر رسیدگی آن فایده‌ای مترتب نباشد یا دریابد که ادعا با آنچه سابقاً مطرح شده تناقض دارد (یعنی انکار حقی خواسته شده که در حکم پیشین تأیید گردیده یا اثبات حقی باید موضوع حکم قرار گیرد که ضمن رأی سابق، انکار شده است)، موضوع دو دعوا یکی است و باید از دادرسی امتناع شود [۱۲، ص ۲۳۶].



در تشخیص مفهوم اتحاد موضوع دو دعوا، نه تنها اتحاد مادی موضوع، بلکه حقوق مطالبه شده نیز باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، چنانچه موضوع دعوا از نظر مادی با موضوع دعوایی که قبلاً مطرح شده، واحد نباشد، ایراد امر مختوم مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. برای مثال اگر در دعوای سابق، مالکیت عرصه ملکی موضوع دعوا بوده است موضوع دعوای دوم که مالکیت اعیانی است، با آن، واحد نیست. حتی اگر موضوع دو دعوا، از نظر مادی ظاهراً واحد باشد، اما حقی که مورد مطالبه قرار گرفته در یکی از دیگری متفاوت باشد، موضوع دو دعوا واحد شمرده نخواهد شد. برای مثال، چنانچه موضوع دعوای سابق، مالکیت عین ملکی بوده و موضوع دعوای دوم حق انتفاع یا یکی از حقوق ارتفاقی در همان ملک باشد، اتحاد موضوع مصداق ندارد. اگر حقوق ارتفاقی موضوع دو دعوا واحد نباشد، برای مثال در یکی حق عبور و در دیگری حق مجرا باشد نیز شرط اتحاد موضوع دو دعوا محقق نیست. به همین ترتیب، چنانچه موضوع دعوای سابق حقوق مربوط به دوره زمانی معینی بوده و حقوق مورد مطالبه در دعوای فعلی حقوق مربوط به دوره زمانی دیگری باشد، حتی به استناد قرارداد واحد، اتحاد موضوع دو دعوا محقق نیست [۱۵، ص ۴۴۸].

۲-۳. وحدت سبب دو دعوا

در نهایت بحث «وحدت سبب» مطرح می‌شود. راجع به شرط اخیر مسأله تا حدودی دشوار است. بالفرض یک دعوا برای جبران خسارت بین دو شخص مطرح شود که قبلاً دعوای دیگری راجع به جبران خسارت در بین همان اشخاص مطرح شده باشد. به موجب ادعای مدعی، دعوای خسارت سابق به موجب یک نقض قراردادی طرح شده و دعوای دوم برای نقض قراردادی دیگر. در این جا این سؤال مطرح می‌شود که آیا خواهان در هر دو دعوا می‌تواند مطالبه خسارت کند یا با اثر امر مختوم مواجه می‌شود؟ در پاسخ باید گفت «سبب دعوا»^۱ با «واقعه»^۲ متفاوت است [۱۶، ص ۸۷]؛ بدین

۱. ground

۲. act

بیان که «افعال» و «ترک فعل‌های» متعدد ممکن است منجر به نقض قرارداد شود. در این جا «فعل» و «ترک فعل» واقعیت محسوب می‌شود و «نقض قرارداد» سبب آن. بنابراین، برای جبران خسارت، در صورتی که وقایعی داشته باشیم که بیانگر سببی باشد، اقامه دعوی دیگر بر مبنای هریک از این وقایع به دلیل وحدت سبب با اعتبار امر مختوم مواجه خواهد شد.

مفهوم سبب، علی‌الاصول در زمینه جهات موضوعی قرار می‌گیرد که قابل توصیف قانونی است. بنابراین، سبب، رابطه‌ای حقوقی است که بر مبنای عمل حقوقی (عقود، ایقاعات و قراردادهای)، واقعه‌ای حقوقی (اتلاف، تسبیب، غضب و ...) و یا بر مبنای قانون به وجود آمده و براساس آن رابطه، خواهان خود را مستحق مطالبه و یا خوانده، خواهان را بیحق می‌داند. پس در تمام مواردی که جهات موضوعی در دو دعوا واحد نباشد، شرط وحدت سبب دو دعوا حاصل نیست [۱۵، ص ۴۵۰].

در تحکیم و تثبیت آنچه بیان شده است می‌توان به مثالی که در این راستا یکی از نویسندگان مطرح کرده است، اشاره کرد؛ بدین بیان که شخصی مالی را به‌عنوان میراث مطالبه می‌کند و سپس همان مال را با استناد به وصیت از وراثت می‌خواهد. در این جا دعوی دوم به سبب «وصیت» و دعوی اول به سبب «ارث» مطرح شده و بنابراین شرط وحدت سبب حاصل نشده است [۱۲، ص ۲۵۲].

پرسشی که ممکن است مطرح شود این است که چنانچه جهات موضوعی در دعوی سابق توصیف قانونی شده باشد، آیا همان جهات موضوعی می‌تواند در دعوی بعد با تغییر توصیف قانونی، سبب جدید شمرده شود؟ رویه عملی محاکم به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهد، علی‌الخصوص که بعضاً تغییر توصیف قانونی موجب تغییر موضوع دعوا، یعنی توصیف حق مورد مطالبه نیز می‌گردد. برای مثال، تصرفات خوانده در دعوی سابق، غاصبانه توصیف و خلع‌ید وی درخواست شده و در دعوی بعدی تصرفات استیجاری توصیف شده و تخلیه‌ید او خواسته شده است [۱۵، ص ۴۵۰].



۲-۳. آثار اعتبار امر مختوم

اعتبار امر مختوم می‌تواند واجد دو اثر متفاوت باشد: ۱) اثر منفی یا دفعی، ۲) اثر مثبت یا قاطع.

۲-۳-۱. اثر منفی یا دفعی

مهم‌ترین اثر اعتبار امر مختوم جلوگیری از طرح مجدد دعوا و استماع دوباره آن است. دلیل اعتبار امر مختوم در این خصوص انعکاس این ضرب‌المثل رومی است که هیچ فردی نباید دو بار در مورد واحدی به محاکمه کشیده شود.^۱ این موضوع در ارتباط با تأمین عدالت خصوصی است؛ یعنی آنچه یکبار قضاوت شده نباید مجدداً مورد رسیدگی و قضاوت قرار گیرد. طبق بند ۶ ماده ۸۴ یکی از مواردی که خواننده می‌تواند ضمن پاسخ به ماهیت دعوا مبادرت به طرح ایراد کند هنگامی است که «دعوی طرح شده سابقاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوا قائم‌مقام آنان هستند رسیدگی شده نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد». این بند با ذکر اثر منفی یا دفعی اعتبار امر مختوم و به موجب ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی قاضی را مکلف به صدور قرار رد دعوا می‌کند. از این رو، کسی که در مورد امری محکوم شده است نمی‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم رسیدگی مجدد را از دادگاه بخواهد [۱۲، ص ۵۵]. علت پذیرش اعتبار امر مختوم وجود این فرضیه است که قانون تصمیم مرجع رسیدگی را دلیل بر صحت مفاد آن و منطبق با واقع دانسته، به اصطلاح حقوقدانان، شیء قضاوت شده حقیقت فرض می‌شود [۱۹، ص ۳۵۲]. اعتبار امر مختوم در رأی دآوری آمکو علیه اندونزی که توسط مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری (ایکسید)^۲ صادر شده به شرح زیر مقرر شده است:

«اصل عام اعلام شده در دعاوی مختلف این است: حق، مسأله یا موضوعی که به‌درستی طرح شده و دادگاه صلاحیتدار هم در مورد آن به‌درستی تصمیم گرفته، نمی‌تواند مورد اختلاف قرار گیرد». در نتیجه رأی معتبر صادر از دیوان دآوری که

۱. Nemo Debet Bis Vexari Pro Una Et Eadem Causa (No one should be proceeded against twice for the same cause)

۲. International Centre for Settlement of Investment Dispute (ICSID)

به‌درستی تشکیل شده تصمیم یک دادگاه صالح تلقی می‌شود [۲۰، ص ۴۷۲]. آرای صادر شده از هیأت‌های داورى ایکسید اعتبار امر مختوم دارند و طرفین می‌توانند در هر مرجع دیگر به‌عنوان دفاع اعتبار امر مختوم آن‌ها را ارائه کنند [۲۱، ص ۱۴۰].

۲-۳-۲. اثر مثبت یا قاطع

مطابق این اثر، مراجع رسیدگی باید از کلیه تصمیمات متخذ در گذشته تبعیت کرده، دعوا را طبق نتایج حاصل از آن خاتمه دهند. بر این اساس، اموری که به‌طور ماهوی مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند نسبت به طرفین الزام‌آور محسوب می‌شوند [۱۲، ص ۵۵]. این امر یکی از اهداف آیین دادرسی مدنی است که با اتکا به اصل اعتبار امر مختوم به حل و فصل قطعی و نهایی اختلافات می‌پردازد. طبق یک ضرب‌المثل رومی دیگر نفع عمومی اقتضا می‌کند که دعوا به‌طور کامل حل و فصل شود و ماده نزاع ادامه نیابد.^۱ این عقیده بازتاب اثر مثبت یا قاطع اعتبار امر مختوم است. بدیهی است در صورتی که رأی داورى غیرمعتبر باشد و به وسیله تصمیم دادگاه صالح متعاقباً باطل اعلام شود، رأی صادر شده در هیچ‌یک از رسیدگی‌های بعدی از اعتبار امر مختوم برخوردار نیست.

۳. اعتبار امر مختوم در داورى داخلی ایران

مقصود ما از آرای داورى داخلی، آرای صادر در داورى‌هایی است که طبق قوانین داخلی ایران درباره داورى انجام شده و طبق همان قانون داخلی اجرا می‌شود، اعم از داورى‌های داخلی که مشمول باب هفتم قانون آیین دادرسی مدنی است یا آرای صادر در داورى‌های بین‌المللی که موضوع قانون داورى تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ است.

۳-۱. آیین دادرسی مدنی

۱. Interest Reipublicae Ut Sit Finis Litium (It is in the public interest that there should be an end of litigation)



در پذیرش اثر اعتبار امر مختوم رأی قاضی در حقوق ایران تردیدی نیست. در این راستا می‌توان به مواد ۸، ۳۷۶، ۴۳۹ و بندهای ۶ و ۴ مواد ۸۴ و ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی اشاره کرد؛ لکن بحث حاضر راجع به پذیرش آن اصل در داورى داخلی است. قانونگذار ایران در این رابطه سکوت اختیار کرده است.

بنا بر نظر مشهور، قرارداد داورى نوعی وکالت است. به موجب این قرارداد، اشخاص به وکلای خود اختیار می‌دهند که درباره اختلافات آنان داورى کنند. به این ترتیب رأی داور عمل قضایی نیست، زیرا از طرف شخصی اعمال می‌شود که سمت عمومی ندارد. پس سخن گفتن از اعتبار آن نیز بیهوده است. این دستور دادگاه و نظر قاضی عمومی است که به آن قدرت اجرایی می‌بخشد. ولی این مقدمه مستلزم آن نیست که رأی داور عمل خصوصی به شمار رود و به‌ناچار اعتبار خود را از دستور دادگاه کسب کند. بین عقد وکالت و قرارداد داور تفاوت زیادی وجود دارد. وکیل کسی است که از طرف موکل مأمور حفظ منافع خاص او است و هرچه می‌کند به نیابت انجام می‌گیرد؛ در حالی که داور در برابر اصحاب دعوا شخصیت مستقل دارد و مأمور دادرسی است. داور موظف به رعایت غبطه خواهان یا خوانده نیست و باید با بیطرفی کامل در میان طرفین حکم کند. در موارد ارجاع امر به داورى یا مواردی که تعیین داور اجباری است، نمی‌توان سمت چنین داورى را با وکالت قیاس کرد. در حقیقت، وظیفه داور بیش‌تر از قانون ناشی می‌شود. قانون آیین دادرسی مدنی بنا به مصالحی به اشخاص اجازه داده است که دادرس امور خویش را با توافق معین کنند و به جای مراجعه به دادگاه، داورى او را بپذیرند. بنابراین، داور کسی است که قانون به طور موقت در مورد خاص وظیفه دادرسی را به او می‌سپرد و هنگام اجرای وظایف خویش یک مأمور عمومی است [۱۲، ص ۱۲۸-۱۲۹]. انتخاب داور با توکیل تفاوت دارد؛ یعنی داور وکیل کسانی نیست که وی را به داورى انتخاب کرده‌اند، زیرا شرط وکالت این است که موکل بتواند خود مورد وکالت را انجام دهد، ولی انتخاب‌کنندگان داور صلاحیت حل اختلاف موضوع داورى را به صورت انشای رأی و فیصله اختلاف ندارند [۲۲، ص ۴۳۷].

برخی از استادان معتقدند که رأی داورى مانند آرای دادگاه‌ها دارای اثر امر مختوم نیست. برطبق نظر ایشان به موجب ماده ۴۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی و تبصره ذیل آن، اقامه دعوا در دادگاه پس از صدور رأی داور، در صورت ایراد خوانده، باید با قرار رد دعوا مواجه شود؛ اگرچه اعتبار امر مختوم بر رأی داور، در قانون صریحاً شناسایی نشده است. علت این رأی بی‌حقی خواهان است؛ چون با صدور رأی و قطعی شدن آن، اختلاف طرفین فصل می‌شود و تنها حقی که در رأی داورى آمده از گذشته باقی می‌ماند [۲۳، ص ۵۵۷]. البته هر گاه پس از قطعیت رأی داور، یکی از طرفین، در عین حال، دعوای موضوع موافقتنامه داورى را در دادگاه اقامه کند، اما نسبت به صلاحیت دادگاه ایراد نشود، باید پذیرفت که دادگاه چاره‌ای جز رسیدگی به دعوا ندارد، زیرا اقامه دعوا در دادگاه و عدم ایراد خوانده، علاوه بر این که دادگاه معمولاً از رأی داور مطلع نمی‌شود، گویای توافق طرفین بر رد رأی مزبور است [۲۴، ص ۲۴].

در مقابل، برخی دیگر اعتبار امر مختوم را در مورد رأی داور نیز محقق می‌دانند. این گروه معتقدند بعد از صدور رأی داور، اعتبار امر مختوم، همانند احکام دادگستری و در حدود خود، محقق می‌شود. یکی از آثار این اعتبار، عدم پذیرش دعوایی است که موضوع رأی داور قرار گرفته است. اثر دیگر آن است که با قطعیت رأی داور، باید نسبت به اجرای آن همت نهاد و نمی‌توان در دعوایی دیگر، خلاف آن را ادعا کرد [۴، ص ۳۹۳]. طبق ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی اگر محکوم علیه ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی داورى، مفاد آن را اجرا نکند، ذینفع می‌تواند از دادگاه تقاضای صدور اجرائیه کند و دادگاه مکلف به صدور اجرائیه است. از مفاد این ماده بر می‌آید که رأی داورى قطعی و لازم‌الاجرا است. قطعی است، یعنی به شیوه سلبی قابل رسیدگی مجدد نیست و لازم‌الاجرا است، یعنی به شیوه اثباتی، قابل صدور اجرائیه است [۲۵، ص ۱۰]. به عبارت دیگر، نظر داور، مانند رأی دادگاه، برحسب طبیعت خود دارای اعتبار امر قضاوت شده است و دادگاه نمی‌تواند دعوایی را که به داورى پایان یافته است، استماع کند. اگر اعتبار رأی داور ناشی از دستور اجرای آن باشد، باید رأیی



که به رغبت و بدون مراجعه به دادگاه اجرا شده باشد، هیچ‌گاه حاکمیت امر مختوم را پیدا نکند و این نتیجه از نظر منطقی قابل قبول به نظر نمی‌رسد [۱۲، ص ۱۳۰]. در نظریه اداره حقوقی به شماره ۷/۳۱۶۷-۸۹/۵/۳۰ نیز آمده است: تبعیت از مفاد رأی قطعییت یافته داورى نسبت به طرفین لازم‌الرعايه می‌باشد و تا هنگامی که از رأی مذکور رفع اثر قانونی نگردد، هرگونه ادعای مخالف آن مسموع نیست. دیگر این‌که اگر مبنای اعتبار امر مختوم را اماره صحت آرای دادگاه‌ها بدانیم این اماره باید اماره مطلق باشد [۲۶، ص ۲۱۴]. این مسأله راجع به احکام داورى نیز مصداق می‌یابد. از طرف دیگر، توافق طرفین بر رد رأی داورى طبق ماده ۴۸۶ قانون آیین دادرسی مدنی به معنای توافق طرفین بر بی‌اعتباری رأی سابق و امکان ارجاع مجدد اختلاف به داورى است؛ زیرا دیگر رأیی وجود ندارد تا موضوع اعتبار امر مختوم واقع شود [۲۷، ص ۱۹۱]. در تأیید این امر می‌توان به رأی صادر شده از شعبه پانزده دادگاه تجدید نظر استان تهران در دادنامه شماره ۳۱۱ مورخ ۸/ ۵/ ۸۵ اشاره کرد که به موجب آن «هرگاه طرفین رأی داور را به اتفاق به طور کلی و یا قسمتی از آن را رد کنند آن رأی در قسمت مردود بلااثر خواهد بود [۲۸، ص ۱۲۶].

۲-۳. قانون داورى تجارى بين‌المللى

در ماده ۳۵ قانون داورى تجارى بين‌المللى ايران آمده است: «... آرای داورى که مطابق مقررات این قانون صادر شود قطعی و پس از ابلاغ لازم‌الاجرا است و در صورت درخواست کتبی از دادگاه ... ترتیبات اجرای احکام دادگاه‌ها به مورد اجرا گذاشته می‌شوند». همچنین در ماده ۳۲ قانون اخيرالذکر با توجه به «قاعده فراغ دادرس» به‌عنوان یکی از آثار «اعتبار امر مختوم»، به داور صرفاً اجازه داده است «... بنا به تقاضای هریک از طرفین یا رأساً هرگونه اشتباه در محاسبه، نگارش و یا اشتباهات مشابه در رأی را اصلاح و یا از آن رفع ابهام‌کند». مطالب مذکور علیرغم عدم صراحت قانونگذار به اعتبار امر مختوم در قانون فوق، بیانگر پذیرش اثر اعتبار امر

مختوم است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چه رأیی در داوری‌های تجاری بین‌المللی واجد اعتبار امر مختوم است. در پاسخ به این سؤال باید گفت که منظور آرای هستند که متأثرکننده حقوق و تعهدات طرفین بوده، بیانگر و نشانه تعیین و حل موضوع خاص یا ختم کل رسیدگی داوری‌اند. در نتیجه قرارهای شکلی داوری اختلاف مطروح را فیصله نداده، صرفاً ترتیباتی برای رسیدگی شکلی مشخص می‌کنند. از این منظر رأی نهایی داوری، اختلاف طرح شده را با اثر الزامی بر طرفین حل کرده، واجد اثر مختوم میان طرفین است [۲۹، ص ۶۳۰-۶۳۴]. معذک اگر رأی داوری معتبر نباشد و در دادگاه موضوع ماده ۶ (مرجع نظارتی) باطل شده و کنار گذاشته شود، رأی باطل شده در رسیدگی‌های بعدی اثر اعتبار امر قضاوت شده را نخواهد داشت [۳۰، ص ۵۲۶].

۴. اعتبار امر مختوم رأی داوری در حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا براساس رویه قضایی یکی از آثاری که برای رأی داور اعلام شده است، برخورداری آن از اعتبار امر مختوم است. در واقع اعتبار امر مختوم می‌تواند سلاحی مفید در اسلحه‌خانه خوانده دعوای مطرح شده پس از صدور رأی داوری باشد که از صرف زمان و هزینه مجدد جلوگیری می‌کند [۳۱، ص ۱]. سؤال این است که رابطه اعتبار امر مختوم با قاعده فوق چیست؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که استاپل به وسیله حکم دادگاه بر دو نوع است: استاپل سبب دعوا^۱ و استاپل موضوع دعوا^۲. استاپل ناشی از سبب دعوا، مبتنی بر فکر ادغام سبب دعوا در حکم است؛ با این توضیح که سبب دعوا، در حکمی که درخصوص آن صادر می‌شود، ادغام شده، از بین می‌رود. بنابراین، با صدور حکم، سببی باقی نخواهد ماند که بار دیگر، براساس آن دعوا طرح شود [۱۱، ص ۳۱].

در فرهنگ حقوقی بلک در تعریف استاپل به چند مفهوم اشاره شده است که یکی از

۱. cause of action estoppel

۲. issue estoppel



آن‌ها، راجع به اعتبار امر مختوم است؛ بدین بیان که استاپل مانعی است که از اقامه دعوی مجدد در یک موضوع جلوگیری می‌کند [۶، ص ۵۷۰].

در راستای تأیید این مسأله که یکی از معانی استاپل «اعتبار امر مختوم» است، یکی از حقوقدانان بیان می‌دارد که با وجود استاپل «موضوع دعوا» باید فرض را بر این دانست که در دعوی بعدی موضوعی وجود ندارد. بنابراین استاپل موضوع دعوا درصدد بیان این مسأله است که در دعاوی باید نقطه پایانی وجود داشته باشد [۳۲، ص ۱۰۰]. به عبارت دیگر، استاپل ناشی از رأی دادگاه بدین معنا است که رأی دادگاه پس از صدور، محمول بر صحت است و هیچ کس نمی‌تواند با دعوی دیگر و با دلایل معارض آن را از اعتبار بیندازد، زیرا حکم صادر شده استاپلی را علیه طرفین دعوا ایجاد می‌کند که دعوی مجدد را در همان موضوع ممنوع می‌سازد [۱۱، ص ۲۷]. اصل استاپل در مفهوم منع تناقض‌گویی بعد از احراز واقعیت، ممنوعیت انکار بعد از اقرار یا عدم پذیرش ادعای مغایر با اقدام سابق بی‌شک در ماهیت دعوا قابل استناد است؛ ولی اصل استاپل در مرحله طرح دعوی که قلمرو آن در ادله اثبات دعوا و از امور شکلی است باید به‌عنوان اصل نوینی شناخته شود که مراجع داورى رفته رفته آن را پذیرفته و در آرای خود به آن استناد کرده‌اند [۳۳، ص ۲۴۳]. در حقوق آمریکا تمام موضوعاتی که قبلاً توسط هیأت داورى رسیدگی شده باشد و بعداً در دادگاه طرح شود به امر مختوم تبدیل می‌شود. اگر رأی داورى به تمام موضوعاتی که در دادگاه مطرح شده نپردازد و تنها به برخی از آن‌ها پرداخته باشد، باز هم به اعتبار قاعده استاپل ضروری است شناسایی شود تا موضوعات رسیدگی شده مجدد مطرح نشوند [۳۰، ص ۵۲۶].

در پرونده‌ای^۱ بیان شد: رأی داور تا زمانی که عدم اعتبار آن اعلام نشده است، همانند رأی دادگاه عمل می‌کند. بنابراین، مانع طرح دعوایی که رأی بر مبنای آن صادر شده است، می‌شود. علاوه بر آن رأی داور شامل ادعاهایی که وجود داشته، لکن مطرح

۱. Brody v. Hankin, ۲۹۹ F. Supp. ۴۵۴, ۴۵۹ (E.D. Pa. ۲۰۰۴)

نشده است نیز می‌شود [۳۴، ص ۲۷۵]. درجایی که رأی قطعی داور وجود داشته باشد، دادگاه از رسیدگی مجدد امتناع می‌کند [۳۵، ص ۶۷۸].

در پرونده‌ی دیگری^۱ نیز به مسأله اعمال نظریه «اعتبار امر مختوم» پرداخته شده است [۳۶]. در این دعوی دادگاه اعلام داشت که نظریه پیشگفته با تمام الزامات و آثار در داور می‌شود. دو اثر مثبت و منفی بر اصل اعتبار امر مختوم مترتب می‌گردد. اثر مثبت به این حقیقت مربوط می‌شود که رأی باید بین طرفین قطعی و الزام‌آور باشد و به مورد اجرا گذاشته شود. اثر منفی از طرح دوباره همان موضوع اختلاف و با همان اصحاب دعوا جلوگیری می‌کند. این اثر به قاعده «هیچ کس را نمی‌توان برای یک جرم دوبار محاکمه کرد» بر می‌گردد [۳۷، ص ۱۲].

باید پذیرفت که اشخاص در این که رأی داور قطعی باشد و نتوان چند بار برای همان موضوع به مراجع داور و قضایی مراجعه کنند نفع دارند و باید این گونه عمل شود [۳۸، ص ۳]. هنگامی اثر اعتبار امر مختوم در رأی داور به وجود می‌آید که: (۱) موضوع کاملاً همانند موضوعی باشد که در رسیدگی قبلی تصمیم‌گیری شده است، (۲) در مقابل همان اشخاصی که در دعوای قبلی حضور داشتند یا قائم‌مقام آنان مطرح شده باشد، (۳) تصمیم قبلی قطعی و مبتنی بر استحقاق یکی از طرفین باشد [۳۱، ص ۳].

البته در مورد قطعیت رأی که برای اعتبار امر مختوم ضروری است دیدگاه‌های متضادی در حقوق آمریکا وجود دارد. پرونده‌هایی که به قطعیت رأی داور استناد می‌کنند به سه گروه تقسیم می‌شوند: (۱) پرونده‌هایی که اشاره می‌کنند که رأی داور باید توسط یک دادگاه تأیید شود تا قطعی تلقی گردد، (۲) پرونده‌هایی که قطعیت را نتیجه جریان داور و ناشی از ذات نهاد داور می‌دانند و تأیید دادگاه را ضروری نمی‌دانند، (۳) پرونده‌هایی که بیان می‌دارند قطعیت آرای صادر به موافقتنامه داور و قصد طرفین بستگی دارد. به بیان دیگر فقط طرفین داور می‌توانند تصمیم بگیرند که رأی داور قطعی و الزام‌آور باشد یا نباشد [۳۹، ص ۳].

۱. Boxer Capital Corp. v. JEL Investments Ltd



در مورد شناسایی و اجرای رأی و برخورد آن با اعتبار امر مختوم، یکی از نویسندگان بیان می‌دارد: اعتبار امر مختوم در حقوق آمریکا بر نظم عمومی که از اجرای قضایی شروط داوری الزام آور^۱ حمایت می‌کند، استوار است و بنابراین تصمیم دادگاه مبنی بر شناسایی رأی دادگاه خارجی، در جایی که رأی داوری راجع به آن موجود است، نظم عمومی آمریکا را نقض می‌کند [۴۰، ص ۱۷۵]. این ادعا مبتنی بر کنوانسیون نیویورک در مورد شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی (۱۹۵۸) است؛ زیرا ماده ۵ «ب»^۲ کنوانسیون نیویورک مقرر می‌دارد: از شناسایی و اجرای آرا در صورتی که برخلاف نظم عمومی کشور باشد، امتناع می‌شود.

برای نظریه اعتبار امر مختوم در حقوق آمریکا دو کاربرد اعلام شده است. یکی از آنان «انسداد موضوع»^۳ و دیگری «انسداد ادعا»^۴ است [۷، ص ۵۳]. در آمریکا اعتبار امر مختوم دارای دو اثر است. اول این که مانع طرح دوباره موضوعاتی می‌شود که باید در دادرسی اول احراز می‌شدند، ولی مورد قضاوت قرار نگرفته‌اند. دوم این که مانع از سرگیری دوباره رسیدگی به موضوعاتی می‌شود که در دادرسی سابق رسیدگی شده‌اند و مورد حقوق حکم قرار گرفته‌اند [۴۱، ص ۱۸۰].

کاربرد اول در ایالات متحده مربوط می‌شود به اثر یک رأی در منع اقامه مجدد دعوا نسبت به «موضوعی» که در دعوی قبلی نسبت به آن تصمیم گیری شده است. در ماده ۷۲ مجموعه اصول و قواعد حقوقی دوم تعارض قوانین مصوب ۱۹۸۲ آمده است: «وقتی در یک موضوع حقوقی یا موضوع متنازع‌فیه واقعاً طرح دعوا شده و به وسیله یک رأی معتبر نسبت به آن تصمیم گیری شده باشد و آن تصمیم جزء لاینفک و ضروری رأی باشد، این تصمیم بین طرفین دعوا قاطع است».

کاربرد دوم شخص را از تعقیب «سبب یا ادعایی» که بایست در رسیدگی‌های قبلی نسبت به آن اقامه دعوا می‌شد منع می‌کند [۳۷، ص ۱۲-۱۳].

۱. public policy behind judicial enforcement of binding arbitration clauses

۲. issue preclusion or collateral estoppel

۳. claim preclusion or true res Judicata

به عبارت دیگر، برای اعمال قاعده انسداد موضوع یا برای جلوگیری از طرح مجدد موضوع، خواننده در دعوای دوم باید ثابت کند که واقعاً موضوع در رسیدگی اول مطرح شده و موضوعی باقی نمانده تا در مورد آن تصمیم‌گیری انجام شود. در مقابل شخص زمانی می‌تواند از نظریه انسداد ادعا استفاده کند که طرف مقابل در رسیدگی قبلی امکان طرح یک ادعا را داشته، ولی واقعاً آن ادعا را طرح نکرده باشد [۴۲، ص ۲۷۹].

یکی از مسائل مطرح شده در اعتبار امر مختوم این است که چه کسی اثر اعتبار امر مختوم رأی سابق را در تصمیم بعدی مشخص می‌کند. از این مسأله به‌عنوان یکی از عوامل ایجاد مشکل نام برده‌اند. در برخی از پرونده‌ها^۱ در ایالات متحده آمریکا رأی داده شده که موضوع واجد اعتبار امر مختوم باید در رأی داور مشخص شود. در مقابل، آرای دیگری بیانگر این مسأله است که موضوع واجد اعتبار امر مختوم باید توسط دادگاه تعیین شود [۱۴، ص ۵۹]. در جمع بین دیدگاه‌های فوق بیان شده است که در جایی که رأی صادر از همان دادگاهی است که در دآوری اجباری صادر شده است، دادگاه فارغ از توافق طرفین راجع به موضوع واجد اعتبار امر مختوم، از رأی سابق خود حمایت می‌کند؛ اما در جایی که تصمیم قبلی رأی داور است یا از دادگاه دیگری صادر شده است، امکان حفاظت از رأی در این‌جا متصور نیست. بنابراین، فرض بر اولویت توافق طرفین راجع به موضوع واجد اعتبار امر مختوم است [۱۴، ص ۶۶]. در نهایت می‌توان به این نتیجه رسید که حقوقدانان آمریکایی اذعان داشته‌اند که رأی داور همانند رأی قاضی از اعتبار امر مختوم برخوردار است [۴۳، ص ۲۳].

۵. نتیجه‌گیری

«اعتبار امر مختوم» اصلی است که مانع طرح مجدد دعوایی که سابقاً رسیدگی شده می‌شود. این اصل در مورد آرای دادگاه‌ها از اصول مسلم جهانی است. در حقوق ایران تصریحی در مورد اعتبار امر مختوم در مورد آرای دآوری وجود ندارد. با وجود این،

۱. Kelly v. Merrill Lynch; In re Y & A Securities Litigation



به نظر می‌رسد که در مورد لزوم اعمال قاعده اعتبار امر مختوم در باره حکم دادگاه و رأی داورى تفاوتی وجود نداشته باشد. یکی از آثار رأی داور همانند رأی دادگاه اعتبار امر مختوم یا عدم پذیرش دعوایی است که موضوع رأی داور واقع شده است. به عبارت دیگر، همان‌طور که دعوایی که سابقاً بین همان اشخاص یا قائم‌مقام آن‌ها در دادگاه رسیدگی شده باشد با ایراد امر مختوم و با قرار رد دعوا مواجه می‌شود، در موردی که رأی داورى در موضوعی صادر شده باشد، همان ترتیبات باید رعایت شود. به علاوه، رسیدگی مجدد دادگاه به موضوعی که داور در آن رأی صادر کرده، صرف‌نظر از تسلسل دعوای، برخلاف توافق اولیه طرفین و قرارداد منعقد در رجوع به داورى و نفی اثر مترتب قانونی بر رأی داورى است. پیشنهاد می‌گردد قانونگذار با تصویب اعتبار امر مختوم در قانون داورى تجارى بین‌المللی یا پیش‌نویس قانون جامع داورى (ماده ۹۴) به اختلافات موجود درباره اعتبار امر مختوم آرای داورى در حقوق ایران خاتمه دهد. یافته‌های این مقاله حاکی از این بوده است که در حقوق ایران اقتضای قواعد حاکم بر داورى و جلوگیری از تعارض احکام این است که رأی داور از اعتبار امر مختوم برخوردار باشد.

در حقوق آمریکا اعتبار امر مختوم در آرای داورى ضمن رویه قضایی مورد پذیرش واقع شده است. نظریه اعتبار امر مختوم در حقوق آمریکا از دو جهت مورد توجه قرار گرفته که یکی از آنان «انسداد موضوع» و دیگری «انسداد ادعا» است. انسداد موضوع در ایالات متحده مربوط می‌شود به اثر یک رأی در جلوگیری از اقامه مجدد دعوا نسبت به «موضوعی» که در دعوای قبلی نسبت به آن تصمیم‌گیری شده است. انسداد ادعا شخص را از تعقیب «سبب یا ادعایی» که بایست در رسیدگی‌های قبلی نسبت به آن اقامه دعوا می‌شد منع می‌کند. شخص زمانی می‌تواند از نظریه انسداد ادعا استفاده کند که طرف مقابل در رسیدگی قبلی شانسى برای طرح یک ادعا داشته، ولو این که در عمل آن ادعا را اقامه نکرده باشد.

۶. منابع

- [۱] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *دانشنامه حقوقی*، ج ۱، چ ۳، تهران، گنج دانش، ۱۳۵۶.
- [۲] ناصری، فرج الله، *امارات در حقوق مدنی ایران*، رساله دکتری، تهران، ۱۳۴۴.
- [۳] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *دانشنامه حقوقی*، ج ۲، چ ۳، گنج دانش، ۱۳۷۶.
- [۴] خدابخشی، عبدالله، *حقوق داور و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱.
- [۵] شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته*، ج ۲، چ ۱۶، تهران، داک، ۱۳۸۷.
- [۶] Wong, Jarrod, "Court or Arbitrator – Who Decides Whether Res Judicata Bars Subsequent Arbitration under the Federal Arbitration Act", Vol: ۴۶, Santa Clara L. Rev. ۴۹, ۲۰۰۵.
- [۷] Westerlind, James M. , "The Preclusive Effect of Arbitration Awards", Mealey's Litigation Report, Vol. ۲۱, ۲۰۱۰.
- [۸] Miller Brewing Co. v Fort Worth Distrib. Co. Inc. , ۷۸۱ F. ۲d ۴۹۴, ۴۹۷ n. ۳ (۵th Cir. ۱۹۸۶). Available at: <http://law.justia.com/cases/federal/appellate-courts/F2/781/494/416126/> (Last visited: ۱۶/۹/۲۰۱۴).
- [۹] خزایی، حسین، «رأی داور در حقوق داخلی و تجارت بین‌المللی»، *فصلنامه حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، ش ۳، ۱۳۸۶.
- [۱۰] Black, H. C. , *Black's Law Dictionary*, 7th Edition, U. S. A. , West Publishing Co, ۱۹۹۰.
- [۱۱] افتخارچهرمی، گودرز، *شهبازی نیا، مرتضی*، «بررسی قاعده استاپل در حقوق



همایون مافی و همکار اعتبار امر مختوم آرای داوری...

انگلیس و آمریکا»، مجله حقوقی (نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران)، ش ۳۰، ۱۳۸۴.

[۱۲] کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، چ ۹، تهران، میزان، ۱۳۹۲.

[۱۳] Brozolo, Luca G. di Radicati, "Res Judicata and International Arbitration Awards", ASA Special Series, ۲۰۱۱.

[۱۴] Zekos, Georgios I. , "International Commercial and Marine Arbitration", First Edition, Routledge-Cavendish, ۲۰۰۸.

[۱۵] شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، ج ۱، چ ۱۵، تهران، دراک، ۱۳۸۶.

[۱۶] Kurkela, Matti S. , Santtu Turunen, "Due Process in International Commercial Arbitration", ۲nd ed, Oxford University Press, Inc. , ۲۰۱۰.

[۱۷] شهبازی‌نیا، مرتضی و دیگران، «عبور از شخصیت حقوقی شرکت در فرض تقلب شریک در حقوق ایران و انگلیس»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۵، ش ۷۴، ۱۳۹۰.

[۱۸] نصیری، مرتضی، «نظریه اصیل واقعی و Alter ago»، ترجمه محمد جواد فخرایی، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۲، ۱۳۶۴.

[۱۹] مدنی، جلال‌الدین، آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، ج ۲، تهران، پایدار، ۱۳۷۹.

[۲۰] صلح چی، محمد علی، نژندی منش، هیبت الله، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی، تهران، میزان، ۱۳۸۷.

[۲۱] شهبازی‌نیا، مرتضی، حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی

- (مطالعه تطبیقی)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۶.
- [۲۲] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *دانشنامه حقوقی*، ج ۳، ۵، ۱۳۷۶.
- [۲۳] شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته*، ج ۳، ۱۰، تهران، دراک، ۱۳۸۶.
- [۲۴] شمس، عبدالله، «موافقتنامه داوری و صلاحیت دادگاه»، *مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی*، ش ۳۷، ۱۳۸۲.
- [۲۵] محبی، محسن، «امتیازات داوری از حیث اجرای رأی داوری»، مرکز داوری اتاق ایران، متن سخنرانی در سمینار «داوری تجاری در حیطه ملی و بین‌المللی»، ۱۳۸۲/۸/۱.
- [۲۶] کریمی، عباس، *آیین دادرسی مدنی*، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۶.
- [۲۷] کریمی، عباس، پرتو، حمید رضا، *حقوق داوری داخلی*، تهران، دادگستر، ۱۳۹۱.
- [۲۸] زندی، محمد رضا، *داوری در رویه قضایی دادگاه‌های تجدید نظر استان تهران*، چ ۲، تهران، جنگل، ۱۳۸۹.
- [۲۹] لیو، جولیان دی. ام، میستلیس، لوکاس ای. و کرول، استفان ام، *داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی*، ترجمه محمد حبیبی مجنده، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۱.
- [۳۰] امیر معزی، احمد، *داوری بین‌المللی در دعاوی بازرگانی*، تهران، دادگستر، ۱۳۸۷.
- [۳۱] Collings, Michaelbrent, "Using Collateral Estoppel After Arbitration", Los Angeles Lawyer Magazine, ۲۰۰۵.
- [۳۲] Colin, Tapper, "Cross on Evidence", ۷th ed. , Butterworths, London, ۱۹۹۰.
- [۳۳] گایار، امانوئل، «قاعده استاپل یا منع تناقض گویی به ضرر دیگری»، ترجمه ناصر صبح‌خیز، *مجله حقوقی*، ش ۶، ۱۳۶۵.



- [۳۴] Brunet, Edward, Richard E. Speidel, Jean R. Sternlight, Stephen J. Ware, “Arbitration Law in America (A Critical Assessment)”, First Published, Cambridge University Press, ۲۰۰۶.
- [۳۵] Friedman, Beth H. , “The Preclusive Effect of Arbitral Determinations in Subsequent Federal Securities Litigation”, *Fordham Law Review*, Vol. ۵۵, ۱۹۸۷.
- [۳۶] *Boxer Capital Corp. v. JEL Investments Ltd.* ۲۰۱۳ Carswell BC ۳۹۱۳, ۲۰۱۳ BCSC ۲۳۶۶, Available at: <http://www.heintzmanadr.com/arbitral-award/what-is-the-effect-of-res-judicata-on-arbitration/> (Last visited: ۱۶/۹/۲۰۱۴).
- [۳۷] Cremades, Bernardo M. , Madalena, Ignacio, “Parallel Proceedings in International Arbitration”, *Arbitration International* ۲۴, No. ۴, ۲۰۰۸.
- [۳۸] Hall, Robert M. , “Res Judicata and Collateral Estoppel Effect of Prior Arbitration Orders: What Impact on Subsequent Arbitrations?”, ۱۹۹۳.
- [۳۹] Canizares, Alexandr O. , ” When Is Arbitration Award Final for Purposes of Collateral Estoppel?”, *Alternative Dispute Resolution*, Vol ۱۶, No۲, ۲۰۱۲.
- [۴۰] Martinez-Fraga, Pedro J. , “The American Influence on International Commercial Arbitration (Doctrinal Developments and Discovery Methods)”, First Publication, Cambridge University Press, ۲۰۰۹.
- [۴۱] غمامی، مجید، محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی فراملی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
- [۴۲] Heinsz, Timothy J. , “Grieve it Again: of Stare Decisis, Res Judicata and Collateral Estoppel in Labor Arbitration”, ۱۹۹۴.

- [۴۳] International Law Association, International Commercial Arbitration, Berlin Conference, ۲۰۰۴.